



Scrutiny and Analysis of Linguistic Features in Manuscripts Explanations of Ganjavi's Nezami *Sharafnameh*

Ebrahim Eghbali^{✉ 1} | Mohammdreza Abedi² | Mohammad Khakpour³ | Abasalt Ahmadi Disaj⁴

1. Corresponding author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: eghbaly@tabrizu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: abedi@tabrizu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: Khakpour@tabrizu.ac.ir
4. PhD Candidate, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: abasatahmadi@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 23 January 2022

Received in revised form 29 November 2022

Accepted 02 March 2024

Published online 08 September 2024

Keywords:

Linguistic, features,
Manuscripts descriptions,
Sharafnameh, Nezami
Ganjavi

ABSTRACT

Enthusiasts of Iranian culture and literature Subcontinental countries, etc. have always been in search of literary inspiration and a correct understanding of Persian Texts, they have been diligent in understanding them, and from their own and others' point of view, they have described works such as Ganjavi's Nezami *Sharafnameh* have been paid. In this article, the authors have emphasized the use of words, written morphology and grammar in the manuscripts of Ganjavi's Nezami *Sharafnameh*, using a library method. They describe them according to their linguistic and stylistic features. The results of this study, after briefly introducing the manuscripts of *Sharafnameh*'s commentaries as scientific-literary texts, show that all the commentators have a good command of the Persian language in view of their geographical area, the Indian subcontinent, and explain the meanings and concepts in simple, comprehensible words and sentences. , explicit, clear and consistent with the standard language of India and even Iran at that time, they have directly transmitted. While writing in a simple way, they used Arabic and native words or the terms of literary techniques and...and avoided exaggeration and the use of synonyms In addition, in the written explanations, grammatical coordinates such as extra descriptive syntactic combinations, Arabic combinations and...are used and the prose has removed them from uniformity, so the style In terms of vocabulary and morphology, in the components of selection, invention and ...they are more in line with the features of Ghaznavid and Seljuk period (intermediate) prose, which indicates that their prose is scientific.

Cite this article: Eghbali, E. & Abedi, A.; Khakpour, M & Ahmadi Disaj, A. (2024). Scrutiny and Analysis of Linguistic Features in Manuscripts Explanations of Ganjavi's Nezami *Sharafnameh*. *Persian Language and Literature*, 77 (249), 78-97. <http://doi.org/10.22034/perlit.2023.50036.3262>



© The Author(s).

Publisher: University of Tabriz.

DOI: <http://doi.org/10.22034/perlit.2023.50036.3262>

بررسی و تحلیل ویژگی‌های زبانی در نسخ خطی شرف‌نامه نظامی گنجوی

ابراهیم اقبالی^۱ | محمدرضا عابدی^۲ | محمد خاکپور | اباصلت احمدی دیزج

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: eghbaly@tabrizu.ac.ir
۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: abedi@tabrizu.ac.ir
۳. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: Khakpour@tabrizu.ac.ir
۴. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: abasatahmadi@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مشتاقان فرهنگ و ادب ایرانی همواره در کشورهایمانند هند، پاکستان، افغانستان و ... در پی التذاذ ادبی و دریافت صحیح از متون فارسی بوده، در تفهیم آن‌ها اهتمام ورزیده و به شرح آثاری مثل شرف‌نامه نظامی گنجوی پرداخته‌اند. نگارندگان در این مقاله به روش کتابخانه‌ای به کاربرد واژه‌ها، ریخت‌شناسی نوشتاری و دستور زبان در نسخ خطی شرف‌نامه نظامی گنجوی تأکید نموده با توجه به ویژگی‌های زبانی و سبکی آن‌ها را به دلیل هم‌پوشانی و همسانی نثرشان توصیف می‌کنند. نتایج این بررسی بعد از معرفی مختصر نسخ خطی شرف‌نامه به‌عنوان متون علمی ادبی نشان‌دهنده آن است که همه شارحان با نگرش به محدوده مکانی آن‌ها، شبه‌قاره هند، بر زبان فارسی تسلط خوبی داشته و معانی و مفاهیم را با واژگان و جملاتی ساده، قابل فهم، صریح، روشن و منطبق با زبان معیار هند و حتی ایران زمان خود مستقیم انتقال داده‌اند. در عین ساده‌نویسی، از واژه‌های عربی و بومی یا اصطلاحات فنون ادبی و دیگر علوم و نیز آیات قرآنی و احادیث و عبارتهای عربی بهره برده، از اطناب و زیاده‌گویی و کاربرد واژه‌های مترادف و پی‌درپی پرهیز کرده‌اند. علاوه بر این، در شروع خطی مختصات دستوری‌ای مانند ترکیبات نحوی اضافی وصفی، ترکیبات و تکیه‌کلام‌های عربی، آیات و احادیث، افعال تفضیل، حروف و اسامی و افعال ساده و کهن استفاده شده و نثر آن‌ها را از یکدستی دور کرده‌است پس سبک آن‌ها از نظر واژگان و ریخت‌شناسی، در مؤلفه‌های گزینش، ابداع و ساخت واژگان و رسم‌الخط بیشتر منطبق با ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی (بینابین) بوده، نشانگر علمی بودن نثر آن‌هاست
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸	
کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های زبانی و سبکی، نسخ خطی شروح، شرف‌نامه، نظامی گنجوی.	

استناد: اقبالی، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا؛ خاکپور، محمد و احمدی دیزج، اباصلت. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل ویژگی‌های زبانی در نسخ خطی شرف‌نامه نظامی

گنجوی، زبان و ادب فارسی، ۷۷ (۲۴۹)، ۷۸-۹۷. <http://doi.org/10.22034/perlit.2023.50036.3262>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه تبریز.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نسخه‌های خطی از ارزشمندترین ذخایر ملی- فرهنگی در هر کشوری هستند. ادب‌پژوهان «نخستین گام در پیشرفت ادبیات فارسی را کوشش در تصحیح و تنقیح همراه با نقد و عرضه نسخه‌های خطی دانسته‌اند» (همایی، ۱۳۹۰: ۱۱) چراکه بی‌مدد «نقد، مقایسه و تصحیح، نمی‌توان زندگی گذشتگان، آرا و عقاید آنان را بازساخت» (فدایی، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

یکی از این آثار کهن مکتوب، *شرف‌نامه* نظامی گنجوی است. خوانندگان این اثر پر رمز و راز گاهی به دلیل وجود ابهام، در درک بعضی از ابیاتش دچار مشکل شده، سردرگم می‌مانند به این جهت عده‌ای دست‌به‌قلم شده، از دیدگاه‌های مختلف و از چشم‌انداز ذهن خویش به شرح آن پرداخته‌اند و هرکدام با ترجیح نظرات و معلومات خود «برای رفع پیچیدگی‌ها از متون ادبی و تفهیم خواننده و آماده کردن او برای درک و دریافتی خوب و پویا تلاش کرده‌اند.» (علوی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۶۳-۸۰) و علاوه بر رفع ابهامات «در پی دستیابی به درک تجربه شخصی شاعر و کلیدی برای دریافت حافظه عاطفی دیگر شاعران پس از او بوده‌اند» (فرزاد، ۱۳۸۸: ۱۶۷) و اطلاعات مختلف ادبی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و... مطابق سطح مخاطب و ذوق و علم خویش ارائه داده‌اند که بیشتر برگرفته از فرهنگ‌های لغت مانند جهانگیری، رشیدی و ... است.

این شروع خطی آن زمان مشکل‌گشای بسیاری از مخاطبان ادب فارسی بوده و امروزه هم تحلیل و مقایسه آن‌ها می‌تواند تأثیرگذار و بااهمیت باشد چراکه در عهد شارحان شروع خطی *شرف‌نامه*، «زبان فارسی در هند زبان علمی و مترقی و دلیل شرافت، فضل و عزت محسوب می‌شد» (بهار، ۱۳۸۶: ج ۳، ۲۵۷). چه‌بهرتر که به توصیه مینوی، محققان را «تشویق کنیم که آن کتب را مطالعه نمایند و تصحیح، مقابله و منتشر کنند» (ستوده، ۱۳۸۶: ۴۳۰).

۱. پیشینه تحقیق

متأسفانه تحقیقاتی که درباره شروع خطی انجام داده‌اند خیلی زیاد نیست؛ با این حال مهم‌ترین تحقیقات در این حوزه عبارت‌اند از: بررسی، تحلیل و معرفی سبک نسخه خطی شرح فارسی بر *کافیة ابن‌حاجب* (۱۳۹۷)؛ مقایسه اختلافات شرح *مثنوی نیکلسون* در دفتر اول با شرح *مثنوی فروزانفر*، کریم زمانی و استعلامی (۱۳۹۴)؛ تحلیلی بر رویکرد سبکی نسخه خطی شرح *محب‌نامه جامی* (۱۳۹۷)؛ بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی «ترجمه و شرح رساله *طب‌القلوب*» (۱۳۹۷) و تحلیل اولین شرح دیوان انوری (۱۳۹۵).

در موضوع بررسی شروع چاپی *شرف‌نامه* پژوهشگران محدودی از جمله غلامحسین غلامحسین‌زاده و همکارانش (۱۳۸۷) مقاله‌ای نوشته و شروع ثروتیان، وحید دستگردی، زنجانی و عبدالحمیدی را در سه حوزه واژگان، عبارت و کل بیت بررسی و باهم مقایسه نموده‌اند. با اینکه حمیدرضا شایگان‌فر در مقاله‌ای به «نقد تصحیح خمسه نظامی» به کوشش بصیر مژدهی در مقایسه با نسخه‌های مصحح وحید پرداخته‌است (شایگان‌فر، ۱۳۹۳: ۴۱) اما تا به حال درباره «بررسی و مقایسه شروع کهن خطی *شرف‌نامه* از نظر زبانی، سبکی و...» تحقیقی انجام نشده‌است.

۲. بیان مسئله

مسئله اصلی این مقاله شناخت شروع خطی *شرف‌نامه* نظامی گنجوی به دلیل کم‌توجهی به آن‌هاست. امروزه بررسی و مقایسه آن شروع در حوزه ادب‌پژوهی نه تنها یک کار علمی بلکه کار ادبی و بازسازی چندین اثر خطی نیز است. لذا نگارندگان در این مقاله سعی دارند به بررسی و مقایسه چهار شرح خطی *شرف‌نامه* از نظر ویژگی‌های زبانی بپردازند و ضمن دریافت نقاط ضعف و ناتوانی‌های

شارحان از نکات قوت آن‌ها بهره بجویند تا آیندگان راه تازه‌ای در شرح متون بیابند و «شناخت، بینش نو، تصویر واقعی و راهنمای عملی به دست آید» (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۶).

در این بررسی، ابتدا متون چهار شرح خطی شرف‌نامه خوانده شده، محتوای آشکار و پنهان و داده‌های کمی و کیفی این شروح به روش تجمعی کتابخانه‌ای (رک، نوشادی، ۱۳۸۶: ۵) گردآوری شد. با مقایسه عینی آن‌ها ابتدا ویژگی‌های مشترک زبانی و سبکی بیان شده سپس تفاوت‌های هر یک مطرح گردید و برای نتیجه‌گیری بهتر بعضی از داده‌های قابل‌شمارش به صورت جدول فراوانی ارائه شد. در نهایت با توجه به نمونه‌ها قضاوت و نتیجه‌گیری شد تا سبک کلی نسخ شروح خطی شرف‌نامه مشخص شود. زیرا از نظر گمنام ماندن، تأویلی و تفسیری بودن و محدوده جغرافی‌شان اهمیت دارند و از جهتی مخاطبان با شناخت ویژگی‌های زبانی و سبکی آن‌ها با مطالعه آسان و روان درک درستی به دست خواهند آورد.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. جایگاه شرف‌نامه در آثار نظامی

موضوع مثنوی شرف‌نامه نظامی فتوحات و جنگ‌های اسکندر در خشکی‌هاست که از سه قسمت ساقی‌نامه، اندرزنامه و روایت داستان تشکیل می‌شود. این مثنوی از جهات مختلف اهمیت داشته و از دیگر آثار نظامی متمایز می‌شود:

نخست اینکه شرف‌نامه علاوه بر صور خیال، ترکیب‌سازی و... از نظر روایت و شکل داستانی و انسجام، ارزش ادبی دارد و برعکس دیگر آثار نظامی انواع ادبی غنا، حماسه و تعلیم را درهم می‌آمیزد با وجود نارسایی‌ها در حد ایده‌آل، صحنه‌های حماسی را توصیف می‌کند. همچنین وی ساقی‌نامه‌ها را به قصد براعت استهلال در دو بیت به‌عنوان چکیده داستان‌های بعد از آن می‌آورد (رک، ترابی، ۱۳۷۰: ۵). از جهتی دیگر شرف‌نامه اثری با خلاقانه از شاهنامه فردوسی است زیرا «نمی‌خواهد حرف‌های او را تکرار و در در شایسته دو سوراخ بسازد» (عم: ۳۴چ).

دوم اینکه نظامی در شرف‌نامه موضوع تاریخی سرگذشت اسکندر را با تکیه بر منابع تاریخی یا داستانی ذکر می‌کند:

ز تاریخ‌ها چون گرفتم قیاس
هم از نامه مرد ایزد شناس
(مجس: ۴۲چ)

و با تعمق زیاد در بخش تاریخی یا اسطوره‌ای قرآن مجید، کتب تاریخی و اسناد مکتوب و مخصوصاً روایات یهودی، نصرانی و روایت فردوسی (همان: ۴۱چ؛ سلطانیه) (مجس: ۲۶چ) را با عبارت «گزافه سخن را درستی نبود!» معتبر نمی‌داند و فقط به یک مأخذ معتبر از «پیر دیرینه سال» که شاید یکی از تاریخ‌نگاران گذشته بوده، اکتفا می‌کند (رک. ثروتیان، ۱۳۶۸: ۶۰۰). این عدم استناد به نقل‌قول‌های شفاهی و استناد به اسناد معتبر یک اصل مهم در تاریخ‌نگاری است.

سوم اینکه شرف‌نامه جایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد زیرا در آن اندیشه‌های مدیریتی نظامی گنجوی بیشتر در گفتار و کردار اسکندر برای هدایت جامعه در جنبه‌های دین، سیاست، فرهنگ و... نمودار می‌شود. نظامی به موقع تعلیم می‌دهد به موقع انتقاد می‌کند:

نبینم کسی را در این روزگار
که میلش بود سوی آموزگار
چو من بلبلی را بود ناگزیر
کز این گوش گیران شوم گوشه‌گیر
(مجس: ۹۲ر)

۲-۳. معرفی مختصر شروح خطی شرف‌نامه نظامی

- شرح اسکندرنامه سراج‌الدین علی آرزو (۱۲۹۳ق) که به خط نستعلیق و به رنگ مشکی در ۲۷۵ برگ ۱۹ سطری نوشته شده است. آرزو با استفاده از منابع مختلف با نقد نظریات فردی به خیرالشارحین شرح کاملی را ارائه داده است. «عم».

- شرح شرف‌نامه که شارح آن ناشناس (قرن ۱۳) است با خط نسخ در ۹۴ برگ ۲۱ سطری با نثر تلگرافی نوشته شده است. با اینکه مؤلف آن ناشناس بود اما از مقایسه با ارجاعات نسخه «عم» مشخص شد که مؤلف آن محمد اکرم صاحب است. «مجن».

- شرح شرف‌نامه که مؤلفش ناشناس است به خط نستعلیق ساده در ۲۸۰ برگ ۱۹ سطری نوشته شده شرحی مفصل و کامل است اما اندکی افتادگی دارد و با مقایسه با عم معلوم می‌شود که جر در موارد خاص، بیشتر گفته‌های آرزو را بازنویسی یا تلخیص نموده است. «مچک».

- شرح محمد نصیرالدین سفیانی، بدون تاریخ است، نستعلیق تحریری خوانا دارد، شرح آن نسبت به شروح دیگر عمق بیشتر داشته از علوم دینی و عرفانی بیشتر بهره برده است.

غیر از چهار شرح که به دلیل در دسترس بودن و کامل بودن نسبی آن‌ها انتخاب گردید، بیش از دویست و پنجاه نسخه خطی شروح اسکندرنامه با کیفیت‌های مختلف در کتابخانه‌های ایران، پاکستان، افغانستان و هند وجود دارد که دستیابی به آن‌ها بسیار دشوار است. بیشتر این نسخه‌ها با عنوان «شرح اسکندرنامه» اغلب به شرح کل شرف‌نامه یا قسمتی از آن پرداخته‌اند.

کهن‌ترین نسخه شرح خطی، شرح شرف‌نامه خسروان عبدالکریم است که در رمضان ۱۰۵۱ق در سی‌وچهار بیت گزارش شده که در کتابخانه پنجاب است. بعد از آن، شرح «فواید علیشیر» که محی‌الدین نظام در صفر ۱۰۷۶ق / اوت ۱۶۶۵م نوشته است. بقیه شروح خطی اسکندرنامه (شرف‌نامه) مربوط به قرون ۱۱، ۱۲ و ۱۳ هجری قمری است. نزدیک‌ترین نسخه خطی به زمان حاضر، شرح محمد اکرم بن عبدالرزاق ملتانی قادری است که در جهنگ چنیوت هند نگه‌داری می‌شود. علاوه بر این عناوین مستقل با عنوان «شرح شرف‌نامه» از مؤلفانی مانند بخشی افغان بن محمد امین (۱۴ شوال ۱۲۸۷ق) سراج‌الدین علی‌خان آرزو اکبرآبادی، (۱۱۶۹ق). ناشناس (سده ۱۳ق) محمد سیف‌الله احمدآبادی. (سده ۱۳ق) محمد اشرف (بی‌تا) ناشناس (۱۱۹۷ق) در فهرست‌نامه ثبت شده است (رک. رادفر، ۱۳۷۱: ۱۷۹-۱۸۵).

۳-۳. بررسی ویژگی‌های زبانی

ویژگی‌های زبانی یکی از مؤلفه‌های تعیین سبک شاعر و نویسنده است و «سبک» روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب جملات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است (بهار، ۱۳۸۶، ج ۱: د). در کتب شرح متون ادبی با روش خاص و داشتن ویژگی‌های متنوع، افکار شاعران و نویسندگان بیان شده است. در این میان ویژگی‌های نسخ خطی شروح شرف‌نامه به خاطر محدوده زمانی و مکانی یکسان تا حدودی به هم نزدیک است. بیشتر این شروح از قرن دهم تا قرن سیزدهم تألیف شده، نثر ساده داشته و با وجود عیناکی تا حدودی تکامل یافته به نظر می‌رسد و با توجه به ماهیت نثر علمی در نوشتار خود هنرورزی نکرده‌اند و چون سبک‌شناسی لایه‌های مختلف آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۳۷) متن را بررسی می‌کند در این مقال برای بررسی و مقایسه بهتر هریک از این شروح به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته و فقط ویژگی‌های زبانی را در سطوح آوایی، ریخت‌شناسی واژگان و دستور زبان مورد بررسی قرار داده و برای هر کدام مثال‌هایی ذکر می‌شود تا درباره سبک آن‌ها قضاوت شود.

۱-۳-۳. سطح آوایی

شارحان شرفنامه در نسخ خطی با توجه به علمی بودن زبان، از امکانات آوایی فقط برای انتقال مستقیم مفاهیم استفاده می‌کنند و جملاتی ساده، بی‌تکلف، بی‌حاشیه، شفاف، روشن، بی‌تعارف و بی‌ابهام به کار می‌گیرند. در هیچ‌کدام از شروح از نظر آوایی، تلفظ حروف، واژه‌ها و جمله‌ها، تنافر و پیچیدگی نیست.

برای نمونه: «مراد آسمان و زمین است که اعظم آیات الله و اظهر آنند. بعضی مردمان در این باب اعتراض می‌کنند که چیزی که پناه آن رب‌العزت باشد پس نیستی او که مصرع ثانی دال بر آن است؛ چگونه باشد و نفهمیده‌اند که مراد از پناه، قایم‌کننده باشد» (عم: ۶ج).

کاربرد بیشتر امکانات زبانی در شروح نشان می‌دهد که مختصات آوایی هر چهار شرح با زبان معیار زمان متناسب است چنان‌که با عبارتهایی نظیر «**خلاف محاوره است**» (عم: ۷ج)، «**در محاوره فارسیان نیست**» «**در محاوره اهل زبان نیست**» (مجک: ۴۹ج)، «**محاوره بدان مساعدت نمی‌نماید**» (عم: ۱۳ج) به نقش سطح آوایی در متون مختلف در شروح خطی اشاره کرده‌اند. درصد بالای تکرار این جملات در چهار شرح نشانه‌ای از اعتلای نثر سراج‌الدین خان آرزو و مجک است که از «مختصات آوایی نثر فنی» می‌باشد اما بسامد پایین دارد.

سطح آوایی: توجه به زبان محاوره

عم	مجک	مجن	مجس
۸۳	۳۶	-	-

۲-۳-۳. سطح واژگانی

گزینش (choice) واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات

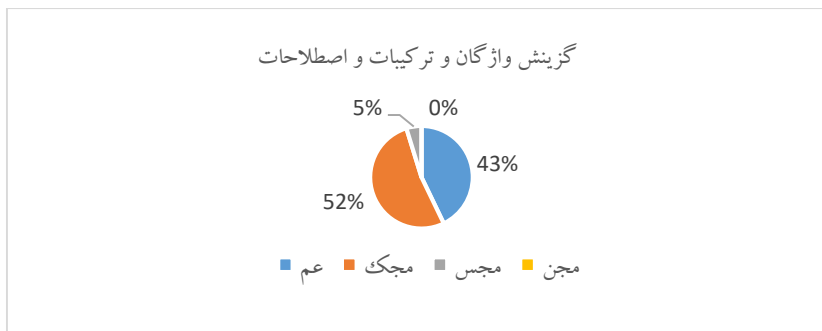
شارحان غیر از مقدمه از واژه‌های چندپهلوی و دیگر صور خیال مانند استعاره و تشبیه استفاده نکرده بلکه اغلب از واژگان، اصطلاحات ادبی و جملات در معنای حقیقی یا انتزاعی بهره گرفته‌اند که ممکن است در علوم مختلف معانی و مصداق‌های متفاوت داشته باشند. تعدد این اصطلاحات شروح خطی را به مجموعه متنوعی از انواع واژگان و اصطلاحات بدیع، معانی، نکات دستوری و مهم‌تر از همه نقد ادبی تبدیل کرده‌است. بعضی از این اصطلاحات، باگذشت زمان، کهنه‌شده، باعث پیچیدگی جملات می‌شود مانند اصطلاح **قطعه‌بند، معجمه و مهمله** و... که در بیشتر نسخ دیده می‌شود.

برای نمونه: مشعله: ... به عین معجمه نیز گفته‌اند و این بعید است. (عم: ۱۰ج)؛ مشغله: ...

با غین معجمه است (مجس: ۷ر) و...

کاربرد این نوع واژه‌ها و اصطلاحات در نسخه مجن مشاهده نشد اما در سفیانی کاربرد اندک و در نسخه آرزو و مجک بسامد بالایی دارد. در این شروح کاربرد لغات فارسی قدیمی و مهجور که ویژگی سبک مرسل است، بسامد اندکی دارد. از جمله:

از «نهیب» غوغای پیلان از خاموشی بی‌صبر شده (بیم و ترس) (مجس: ۸۱ر).



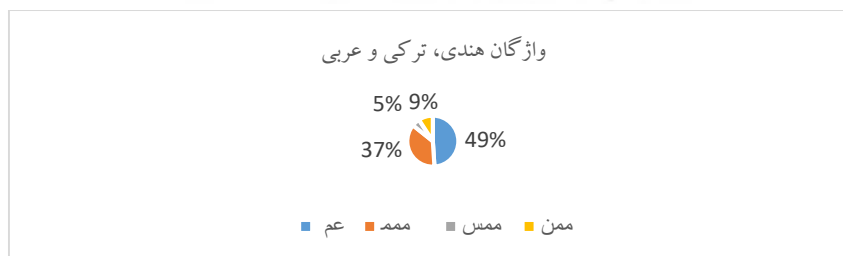
مبنای گزینش واژگان

معمولاً مبنای گزینش واژگان، منابع و مآخذ مورداستفاده و ابیاتی است که شرح داده می‌شود. شارح ابتدا با توجه به مشکل موجود در بیت و رعایت حال مخاطب واژه‌هایی را با پشتوانه فکری و علمی و نیز ذخیره واژگان ذهنی و منابع متعدد برمی‌گزیند تا با اظهار فضل مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد (رک. غریب، ۱۳۷۸: ۱۰۳).

برای نمونه: جهان بالکسر، جهنده و بال فتح، روزگار و در «مؤید» است از خدمت امیر شهاب‌الدین کرمانی و شیخ واحدی شیرازی رحمهما الله به معنی روزگار نیز به کسر است؛ و در «قنیه» به معنی مال و اسباب دنیا نیز آمده‌است و «شرح مخزن‌الاسرار» بدین معنی بالفتح هست (مجس: ۴چ).

تنوع واژگانی (هندی، ترکی و عربی)

از دلایل تنوع واژگانی در شروع خطی استفاده متناسب از واژگان هندی، ترکی و عربی در کنار واژگان فارسی است. شارحان از واژه‌های هندی و ترکی به مقتضای حال مخاطب و با توجه به «قابلیت زبانی ضمن مقایسه زبان‌ها» (خاکپور و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۰) برای بیان معادل‌های بعضی از اعلام نباتی، جمادی و حیوانی استفاده کرده‌اند، مانند **مطرح: ... دام بزرگ به هندی بادر خوانند (عم: ۲۲)؛ درمنه: نام گیاه در هندی «کلائم» (مجن: ۱۹چ)؛ طلق = در هندی ابرک (مجک: ۸۸چ)؛ پتک: در هندی هتوره فتراک: به ترکی «قنجغه» گویند (مجس: ۷۱چ؛ و ۱۷ر) و... کاربرد این واژگان، ناشی از گسترش زبان ترکی در دوره صفویه است که نفوذش از دوره غزنوی شروع شده‌است (بهار، ۱۳۸۶: ۲۹۲).**



شارحان در توضیحات خود از امکانات زبان عربی در تفهیم مطالب بهره برده‌اند که به مواردی اشاره می‌شود:

—کلمات تنوین‌دار را به‌طور متعادل به کار می‌برند که از قدیمی‌ترین ادوار، وارد زبان فارسی شده و حضور آن در نثر فنی بسیار بیشتر از نثر ساده است (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۱۹۹) مانند خصوصاً و ایضاً (عم: ۱۱چ ح و ۲/۶۱ر) و...

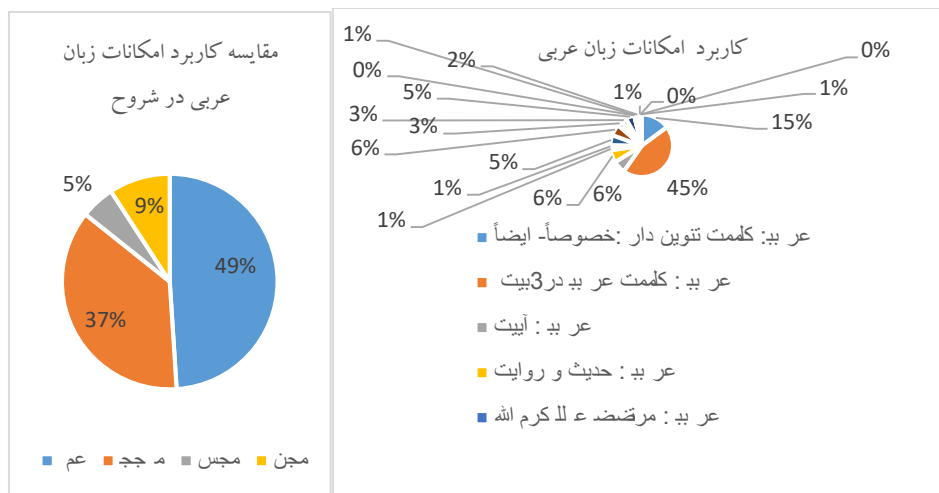
– بسیاری از کلمات و عبارات عربی شروح خطی در حوزه دین قرار می‌گیرد. مخصوصاً در کاربرد جملات دعایی و اشارات قرآنی و روایی مانند مرتضی علی کرم الله تعالی وجهه (مجن: ۲۴) تا که آدمی را محبت الهی حاصل نیست به ادای چهار مذهب مستعبد گردیده است و... (مجن: ۲۴) و گاهی هم برای رعایت حال مخاطب و احترام مآخذ مورد استفاده از تکیه کلام‌های عربی استفاده می‌کنند که بیانگر سبک خاص آن‌هاست. از اصطلاحات عربی در پایان توضیحات طولانی و پردامنه برای قانع کردن خواننده و تأکید بر گفته خود یا اطمینان از آن، مانند بسم الله، من ادعی فعلیه السند، انتها کلامه، هذا غایت التحقيق، هذا الباب، فافهم، فافهم قوله (مجس: ۱۸) استفاده می‌کنند؛ مثلاً «... از عالم این بیت عرفی:

من کیستم آن سالک کونین مسیرم کز بیخته جوهر قدس است خمیرم. فافهم» (عم: ۱۳۸)

یا به‌عنوان «سربند» توضیحاتی که در آن شک و تردید دارند و یا مطلب از قدرت درکشان خارج است، «به عبارتهای «الله اعلم» (مجن: ۲۶) (مجس: ۱۹)، الله اعلم به حقیقه الحال» (عم: ۹۲) (مجک: ۱۴۰) و «الله اعلم بالصواب» (مجس: ۳۷) و: «هذا هو التحقيق فلا يلتفت الی ما سبق الیه الاوهام.» (عم: ۱۶۸) (مجک: ۲۳۹) بسنده می‌کنند و در مواقع دروغ، خرق عادت و نامناسب بودن گفته‌های شاعر و شارحان دیگر از «اعاذ بالله تعالی منها» (عم: ۱۳۵/۲) (مجک: ۲۰۷) بهره می‌برند.

شارحان در کاربرد زبان عربی یکدست عمل نکرده‌اند با وجود این نثر و زبان ایشان امروزه هم برای عوام قابل‌درک است زیرا از کلمات عربی معمول و جاافتاده به‌جای کلمات فارسی و واژه‌های مترادف و معادل عربی و فارسی در یک یا دو جمله استفاده کرده‌اند، مانند «از همان کرده خویش پشیمان شد... یعنی پشیمان از آن عمل بدان سبب شد که...» (مجک: ۱۳۷) (عم: ۲/۹۰) «اگر بازو به زای معجمه بود که به عربی عَضِد خوانند مناسب نمی‌شود.» (همان) در اطاعت و انقیاد به‌جای فرمان‌برداری (مجس: ۵۴) (چ) «حرب به جای جنگ و لون و ترکیبات آن و فاضل‌تر به‌جای بهتر.» (مجک: ۳۱) (عم: ۱۶۱) (مجن: ۱۸) (صعب به‌جای سخت) (عظیم به‌جای بزرگ) (مجس: ۵۲) (مجن: ۳۷) (مجک: ۸۶) اما گاه از واژه‌های عربی دشوار استفاده کرده‌اند که نیاز به معنی نمودن احساس می‌شود مانند مزاولت: اشتغال ورزیدن در کاری (همان: ۱۱۷) (عم: ۸۰) (مضمحل (مجس: ۵۷)).

بسامد، تکرار و کثرت این ترکیبات و عبارات عربی می‌تواند یک مشخصه سبکی لحاظ شود زیرا از طرفی باعث به وجود آمدن یک مشکل خطابه به نام «تکیه کلام» شده و از جهتی دیگر سبک شارحانی چون آرزو، نصیر سفیانی و مؤلف مجک را از سبک مرسل به بین‌بین تکامل یافته ارتقا داده‌است.



از این شروح، شرح مجس و مجن از کلمات عربی نسبتاً کمتری استفاده کرده‌اند چنان‌که مجس کلمات عربی را بیشتر به زبان محاوره زمانش تبدیل می‌کند و مجن ذاتاً شرحی فرهنگ‌واره است اما همگی شروح از این نظر هم عامه‌فهم‌اند و نسخه عم و مجک در کاربرد زبان عربی در فارسی بالاترین بسامد را دارد.

واژگان و ترکیبات نو

علاوه بر تنوع واژگانی گاه در شروح خطی شرف‌نامه به واژه‌ها، ترکیبات نو و ساختگی که گاه با «شبه‌معنایی» همراه‌اند (رک. مدرسی، ۱۳۸۶: ۴۶۶) برمی‌خوریم که شاید به‌خاطر تأثیرپذیری شارحان از زبان و بیان نظامی یا به تقلید از نثر نویسان دوره صفویه باشد، مانند چسبان‌تر: زیباتر و جافتاده‌تر. (عم: ۱۵۲ چ) از عالم: مانند. (عم و مجک: ۵ ر) برای نمونه در قسمتی از شرح بیت زیر نوشته شده‌است:

چو نزلی چنین خوب و آراسته
روان کرد و با او بسی خاسته

خیرالشارحین گفته که مصرع دوم بیان بسی خواسته است. راقم گوید این اگرچه من حیث المعنی چسبان است لیکن دوری عبارت نمی‌خواهد که همان باشد زیرا چه تعقید است که مخل فصاحت است لازم آمد پس صواب همان است که مانوشته‌ایم (مجک: ۲۰۹ ر) (عم: ۱۳۷ ر).

کثرت کاربرد این ویژگی خاصه ایجاد شبکه معنایی در شرح آرزو و مجک بسامد بیشتر دارد اما در نسخه مجن به‌خاطر رعایت ایجاز در توضیحات بسیار کم دیده می‌شود؛ مثلاً

ترادف: سنگ و وزن / رفق و نرمی / خشنی و درشتی پالان... (مجس: ۳۷ چ / ح / ۵۳ چ).

تضاد: خروس سفید: غول سیاه (عم: ۲/۶۱ ر) میان آب و آتش است. (مجس: ۸۰ ر) (مجک: ۶ چ).

تضمن: ترنج به تضمین به معنی میوه‌ای است معروف (ترنج-میوه) (عم: ۲۹ ر، مجک: ۳۷ ر) پرگار و خط (مجن:

واژگان و ترکیبات نو

عم	مجک	مجس	مجن
۴۸	۴۵	۰	۰

ساختمان واژگان

شارحان بدون دخل و تصرف و به‌طور طبیعی ساخت‌های مختلف واژگانی مانند ساده، مشق و مرکب و... را انتخاب و به‌کاربرده‌اند. ساختمان واژه‌های غیر ساده، از دو یا چند اسم و وندهای تصریفی و اشتقاقی تشکیل می‌یابند.

وندهای اشتقاقی مانند «ی، گار، گر و...» واژه‌های جدید ساخته، گستره و امکانات زبان و قدرت بیان شارح را افزون‌تر می‌کنند؛

پیوسته (مجک: ۷) **جنبش** (مجس: ۱۶) (عم: ح.ام ۱۸) (مجن: ۸) **جنبیدن** (مجک: ۱۲۶) ر.

از میان وندهای تصریفی (ها، ان، تر، ترین، م و...) پسوند «ها»؛ پرسامدترین پسوند جمع در شروح خطی است مانند **گوهرها**

(عم: ۱۰۷) **اندام‌ها** (مجک: ۲۶) **گل‌ها** (مجن: ۱۰) **حکیمان** (عم: ۷۲) **منجمان** (مجس: ۶۶) و ...

یکی از نشانه‌های زبانی بیانگر سبک شارحان، در وندها، جمع بستن اسم جمع «مردم» با علامت «ان» است. (مجس: ۴۵) (چ)

(مجک: ۶۵) و (عم: ۲/۶۵) دیگر اینکه پسوند تر و ترین برای لغات فارسی و عربی استفاده شده است (مجک: ۵۸) (چ) (عم: ۴۹) (مجس: ۴۱) (چ).

همچنین کاربرد اعداد ترتیبی در عم و مجک به‌خاطر اطناب در توضیحات بسامد دارد و نیز در موردی به‌جای سیوم از «سه دیگر» استفاده شده است. سه دیگر (مجک: ۱۸۵) (چ) (عم: ۱۲۱) ر.

ساختمان واژگان در ۳ بیت به‌طور اتفاقی

ساختمان واژگان در ۳ بیت	عم	مجک	مجس	مجن
اسم ساده	۲۶۵	۲۲۷	۱۰۲	۱۵
غیر ساده: مشتق	۲۷	۲۷	۲۴	۴
غیر ساده: مرکب	۳	۳	۱	۱
غیر ساده: مشتق مرکب	۰	۰	۱	۰
فعل ساده	۴۰	۴۱	۲۱	۴
فعل مرکب	۶	۶	۳	۰
فعل پیشوندی	۵	۵	۱	۰

کاربرد کلمات ساده و شبه ساده در شروح خطی بیشتر از واژه‌های غیر ساده است و بیشتر واژگان مرکب از اسم و فعل تشکیل

یافته‌اند: **فرمان پذیر** (مجک: ۸) **تعلیم پذیر** و **خوپذیر** (عم: ۲۹ و ۳۰ ح؛ ام) (مجن: ۱۴) ر.

به‌هر حال نوع ساختمان واژگان به‌کاررفته در این شروح نشانگر سبک خاص نیست زیرا مواردی مانند اندر، فراز، فرا و... را تنها

در نقل قول‌های مستقیم به‌کاربرده‌اند اما گاهی به تأثیر از همان نقل قول‌ها ناخودآگاه سبک مرسل دوره سامانی شکل گرفته است،

مانند کاربرد فعل دعایی تاریخی: **خدای تعالی باری دهاد و بدین تن‌ها چشم بد نرساند**. (مجن: ۵۱) ر) به سبب

آن شراب مذکور را به شخصی دهد که میراث خوار اسکندر است (مجک: ۵۸) (عم: ۴۹) گویا هدف اصلی شارحان در این باب، فقط غنی‌تر کردن ذخایر واژگانی و تدوین شرحی ساده و قابل‌درک برای جامعه ادبی خارج از ایران در شبه‌قاره بوده‌است.

رسم‌الخط واژگان

بنابر اندیشه‌های ساختارگرایی و یافته‌های زبانشناسی و بر اساس مشخصه‌های زبانی مانند جدا و پیوسته‌نویسی و... متون علمی و ادبی از یکدیگر متمایز می‌شوند (رک. سرامی، ۱۳۹۳: ۴) اما طرز و سبک نویسنده، از رسم‌الخط او نیز تأثیر می‌پذیرد. در گذشته در کنار نویسندگان، نساخ هم در سبک نوشتار تأثیر می‌گذاشته‌اند تعیین اینکه ریخت واژگان و رسم‌الخط شروع خطی مطابق نظر شارحان یا نساخ است، دشوار است. در اینجا مبنا را بر انطباق با نظر شارحان قرار داده و چگونگی آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

تفاوت‌های رسم‌الخطی بیشتر ناشی از نوشتن حروف هم‌ریشه و همسان به‌جای همدیگر است از جمله «ز» به‌جای «ذ» و بالعکس (مجن: ۲۳) (مجک: ۱۰۲) (عم: ۷۳) این ویژگی از نظر سبکی «املای کهن کلمات» نام گرفته و از مختصات سبک مرسل است. (رک. شمیسا، ۱۳۷۵: ۲۲۲)

اختلاف در حروف (ذ - د)، (ز - د)، (ب - پ) (ک - گ)، (ظ - ض)، (س - ث)، (ح - ه)، (ز - ض)، (د - ت) (آ - ا)، (ج - چ)، (س - ص) (ق - ک)، (غ - ق)، (ت - ط)، (ه - هـ)، (ه عربی - ت) (واو مجهول - ضمه اشباع‌شده) (ناتل خانلری: ۱۳۷۸: ۳۲) در تمام شروع با فراوانی متفاوت مشاهده می‌شود که مطابق رسم‌الخط قدیم است و امروزه غلط املایی به شمار می‌آیند، مانند **گذارش** (مجن: ۲۳) (مجک: ۱۰۲) (عم: ۷۳) و **برگزیده** (مجس: ۱۲) **ایزا = ایذا و گذارنده = گزارنده** (مجن: ۶۵) **بزاته = بذاته** (مجس: ۵۹) **تعویز = تعویذ** (مجس: ۲۱) **پذیر = پزیر** (مجس: ۳۲) **گذاشت = گذاشت**. (مجن: ۱۲) **بددلی = بزدلی** (عم: ۶۹) (مجک: ۹۱) (مجن: ۲/۳۶) **باره - بی**. (مجن: ۲۴) **کمان = گمان** (عم: ۱۷) **فرنکی = فرنکی و کویند = گویند** (مجس: ۸) **عشوه‌گری = عشوه‌کری** (عم: ۱۵۸) **راه کیر = راه‌گیر** (مجن: ۲۴) **ظوابط** (عم ۴۱؛ ام) **کسافت = کثافت** (مجس: ۱۷) (مجن: ۸) **نثر = نسر** (مجس: ۱) **حاروت = هاروت** (مجس: ۲۱) **حزیز = حزیض** (مجس: ۷۴) **فائز = فایض** (مجن: ۶۲) **پرده لعبد = لعبت** (مجس: ۳۴) که در متون کهن آمده‌است (ناتل خانلری: ۱۳۷۸: ۳۵). **شهیدان = شهیدان** (مجن: ۱۲) **جامه = چامه** (عم: ۳۵) **چ ح؛ ام** (مجن: ۱۷) **رسدگاه = رصدگاه...** (مجن: ۳۷) **اسطلاح موسیقی** (مجس: ۵۶) **متراقم = متراکم** (مجن: ۴۲) **چ در حاشیه = باسغ = باسق** (مجن: ۵۴) **شهر خطای = ختای** (مجن: ۵۴) **مطربه فلک = مطرب فلک** (مجس: ۱۷) (مجن: ۸) **خوردبینی = خردبینی** (مجن: ۴۳) **آمدش، آنچه و... - آمدش، آنچه** (عم: ۱۱۰) **گرد برآوردن** (مجن: ۳۱)، **اماده** (مجن: ۵۵) و ...

علاوه بر این، یکی از مختصات رسم‌الخطی شروع خطی حذف یا اضافه شدن یک حرف یا نقطه یکی از حروف در نوشتار واژگان است.

اضافه شدن «ه» به پیشوند فعلی «ن» و «ب» نه بینی (مجک: ۳۲) (همان: ۳۴) (مجن: ۱۶) (عم: ۲۱۲).

حذف واو معدوله: مانند **خوار بر تن = خار بر تن** (مجن: ۴۴).

حذف «ه» ملفوظ از آخر کلمات: مانند **گیاهای شیرین** (عم: ۱۵۰) **بلکه - بلک** (مجن: ۴۱).

روش شارحان در جدا و پیوسته‌نویسی هم با ویژگی‌های نثر ساده دوره سامانی مطابق است چنان‌که «را» مفعولی در هر دو نسخه عم و مجس جز در موارد نادر و تثبیت‌شده مانند «مرا» و «آترا» جدا نوشته‌اند: (جهان را) (عم: ۲۶)، هیچکس را (مجس: ۱۱) و...

پیشوندهای فعلی، حرف‌افزافه «به»، «است» اسنادی و ترکیبات وصفی به واژگان بعد خود پیوسته نوشته شده‌اند، مانند **نمیکرد**، **میخواست** (مجس: ۷۱) **بقصد** (مجک: ۸) **بحدیت** (مجس: ۴۱)، **باندک**، **باعتبار** (مجس: ۶۴) **آنست** (مجک: ۵۵) **واقعت** (عم: ۱۱۰) و **چقسیم** (مجس: ۵۹) ح؛ سلطانیه) و... البته در نسخه مجس و مجس «است» به کلمات مختوم به مصوت بلند بیشتر پیوسته نوشته شده‌است، مانند اوست (مجس: ۲۸) **جامه‌ایست** (مجس: ۶۱).

مواردی مانند عدد و معدود، صفت اشاره و پسوندهای تفضیلی و عالی بیشتر جدا نوشته شده‌اند مانند **یک حرف** (مجس: ۶۲) یکبار (مجس: ۲۹) **آن حضرت** (مجک: ۸) (مجس: ۷) (مجس: ۱۲) ح) این مصراع (مجس: ۱۳)، **همایون تر**، **مبارک تر** (مجس: ۳۰) ح) **نوآیین ترین**، **منعم ترین** و **بزرگ ترین** (مجک: ۵۸) (عم: ۴۹) (مجس: ۴۱) محسوس ترین (عم: ۷) اما گاه به خاطر مقتضای خط نستعلیق، طبق عادت یا متناسب با ذوق ناسخ و رعایت ریخت زیبا، پیوسته نوشته می‌شوند، مثل **آنحضرت** (مجک ۱۶) (مجس: ۱۳) (عم: ۱۵) آنچنان (مجس: ۷) **آنخواجه** (مجس: ۱۲) ح) **خوشترین** (عم: ۴۹) **خوبتر** (مجس: ۵۶). گفتنی است در نسخه مجس صفت عالی‌ترین مشاهده نشد و چنان‌که در مثال‌ها می‌بینیم این پسوندها در شروح عم، مجک و مجس هم برای لغات فارسی و هم برای لغات عربی استفاده شده‌اند. البته در مواردی مانند پیوستن علامت جمع «ها» به واژه مختوم به «های» غیرملفوظ که های غیرملفوظ حذف شده‌است، مانند **شعلله‌های آتش** (مجس: ۵۷) باید سهو ناسخ و نوع خط و شرایط فیزیکی نسخه را هم در نظر گرفت؛ و مهم‌تر اینکه در نسخ قدیمی بیشتر به پیوسته‌نویسی تأکید داشته‌اند. با توجه به نمونه‌های مذکور متوجه می‌شویم که در نگاه کلی این غلط‌های املائی یا نشانه‌های رسم‌الخط کهن در نسخه «عم» کمتر از دیگر نسخ شروح خطی است و از لحاظ ریخت‌شناسی اصول یک متن علمی در آن‌ها رعایت شده‌است چنان‌که هیچ‌کدام از شارحان از افعال اول یا دوم‌شخص مفرد استفاده نکرده به‌جای آن از عبارت «**مؤلف گوید**» استفاده نموده‌اند که از نظر سبک‌شناسی متون علمی و ادبی، کاملاً قابل قبول است و سبک همه شروح از این نظر هم مثل دیگر نثرهای دوره غزنوی و سلجوقی بین‌بین است.

۳-۳-۳. سطح دستوری و نحوی

۱-۳-۳-۳. ترکیبات نحوی

با نگاه به توضیح صدها بیت از شروح خطی آشکار می‌شود که بیشتر ترکیب‌های نحوی که جمله زیرساختی دارند، از نوع ترکیب اضافی و وصفی هستند. این ترکیبات اسمی و وصفی با توجه به تفسیری و توضیحی بودن شروح، بیشتر از واژه‌های پرکاربرد عربی در فارسی ساخته شده‌اند که به‌زیبایی در زنجیره گفتار و نوشتار جا افتاده‌اند اما ترکیبات نحوی مفعولی، نهادی، متممی و... به‌ندرت دیده می‌شوند، مانند ترکیب نهادی مثل **دلپسند** (مجس: ۳۹)، ترکیب مفعولی **بازی کن و سلاح‌پوش** (مجس: ۷۷) ح)؛ **روح افزا** (مجس: ۳۹)؛ ترکیب عددی: مثل **چهار کیفیات** (عم: ۷) و...

با نگاه به نوع زبانی ترکیبات نحوی، ظاهراً شارحان به دلیل گنجاندن معانی بسیار در واژه‌های اندک به استفاده از ترکیبات و عبارات عربی مانند احادیث، آیات ناگزیر بوده‌اند که گاه این ترکیبات خام زبان ایشان را از لطافت و ظرافت دور کرده‌است، از جمله:

– مطابقت صفت و موصوف و عدد و معدود: در کتب طیبیه مرقوم است (عم: ۱۵۱ چ). به کثرت افعال ذمیمه (مجس: ۴۸ ر) نه حجره: یعنی از فکر علایق ظاهری و عبارت است از خانه ازواج مطهرات (عم: ۱۷ ر) به مقتضای موتوا قبل ان تموتوا به طریق مردگان شده‌ای (مجک: ۱۴۳ چ). اما به مقتضای آیه کریمه «لا تخافون لومه الایم» مرا باکی نیست (عم: ۱۳۳ ر) و نیز (مجس: ۱۳ ح؛ سلطان) ادیان باطله (مجس: ۱۲ ح)، افعال صالحه (مجس: ۶۵ چ ح؛ سلطانیه) توجهات رکیکه (عم: ۱۵۰ چ) توجیه نسخه مشهوره (همان: ۱۵۳ چ) لوازم شعریه (مجس: ۲۴ چ) عجایب بلبلان (همان: ۲۵ چ) اجسام مرکبه (مجک: ۶ چ) هر دو خواص دارا (مجک: ۱۳۲ چ).

البته غیر این موارد از قاعده فارسی پیروی شده است، مانند سه معنی (مجک: ۱۹۱ چ) سه علم حکمی (مجک: ۲۰۲ ر) چهار چنبر (عم: ۲۱ ح) چهار نکته (مجس: ۷ ر) این نوع ترکیبات عمدتاً در ترکیبات هنری مانند استعاره، تشبیه و کنایه به کار نرفته است.

– کاربرد صفات عربی در نقش جمله معترضه:

یکی از مشخصه‌های زبانی شروح خطی، آوردن صفاتی از قبیل تعالی، سبحانه، بر سر ضمیر و ... است که نقش جمله معترضه را دارند؛ یعنی به جای اینکه بگوید: خدای تعالی یا سبحانه، می‌نویسد: ذات او تعالی... / قوله تعالی / فی الحقیقه عبارت است از وی تعالی... (مجس: ۶ ح به نقل از سلطان) (عم: ۸ چ) (مجس: ۸ ر) (مجک: ۲۲ ر). با وجود اینکه این موارد در کل بسامد بالایی ندارد اما در عربی مآبی نثر زیاد تأثیر دارند زیرا کاربرد امکانات زبان عربی، سبک و زبان هر نویسنده و شاعری را به سبک و سیاق خاصی سوق می‌دهد.

۲-۳-۳-۳. مفردات نحوی

غیر از ترکیبات نحوی مفردات دستوری (عربی- فارسی) در زبان علمی شارحان دیده می‌شود، از جمله:

- کاربرد اسم فاعل به جای مصدر (مفروح: به معنی لازمه فرحت.) (مجس: ۱۸ ر) (عم: ۳۶ چ ح؛ ام).
- به کارگرفتن اسم تفضیل: آب دادن اهم است یا احتمال دوم اقوی است. (عم: ۸۰ ر و ۱۵۱ چ).
- استفاده فراوان از جمع مؤنث عربی: مانند تخیلات و خیالات (عم: ۳۶ ح. ام) معلومات (مجک: ۵ ر) و معجزات و برکات و فیوضات و آب حیوان در ظلمات پوشیده است (مجس: ۸ ر) و نیز (عم: ۷ چ) (عم: ۲/۸۲ چ) (مجس: ۲۷ چ).
- استفاده فراوان از جمع مکسر که سطح زبان شروح را تا حدودی برای درک و دریافت بهتر مفاهیم بالا می‌برد مانند متواتر (عم: ۷۹ ر) ازمینه (عم: ۸ چ) (مجس: ۷۸ چ) علایق و عوایق (مجس: ۱۸ ر) سخن‌های لاطائل و نصایح دور اذکار گفته (عم: ۱۶۲ ر) این کلمات به ندرت با ادات جمع فارسی یا عربی جمع بسته می‌شوند: عجایبات گوناگون درشت (مجس: ۱۹ ر؛ سلطانیه).

– کاربرد ضمایر: در چهار شرح خطی بیشتر از ضمیر سوم شخص مفرد استفاده کرده‌اند؛ اما ضمایر فاعلی «من، تو، ما و شما» هم در متن یافت می‌شود. من در بعضی نسخ بیت مذکور چنین یافتیم (مجک: ۱۹۹ ر) همچنین از ضمیر سوم شخص جمع «ایشان» برای ارجاع به اسامی ذی‌روح و هم غیر ذی‌روح و از دیگر ضمایر پیوسته مانند «ش» به تناسب تأکید فاعل یا مفعول استفاده شده است. «آماینده گوهرهای اربعه عناصر در رشته خلقت انسانی و اعتدال دهنده در ایشان

تویی» (مجس: ۷ح) در عالم حکما کار می‌کردند تصور نظر ایشان محروم نمی‌آید. (مجس: ۷ح) و (مجس: ۱۱چ) درجات ایشان (مجس: ۸ر) و ...

- کاربرد افعال: بیشتر افعال با توجه به معنای ابیات در زمان ماضی ساده، نقلی، استمراری و مضارع التزامی بدون بای تأکید و مضارع ساده با فعل «است» به صورت معلوم و مجهول به کار رفته‌اند. (رک. عم: ۱۹چ) (مجس: ۱۶چ ح؛ سلطانیه) (مجک: ۲۱چ) اما ظاهراً کاربرد افعال در زمان حال بیشتر است. برای نمونه: تنیده تنش: در اینجا به معنی تافتن است و اطلاق این بر جسد مجاز است که جسد را در خاطر به لباس تشبیه داده، پس استعاره بالکنایه خواهد بود (عم: ۲۰ر) (مجک: ۲۱چ) یعنی وجود مبارک حضرت رسالت پناه در شب معراج بر روحانیان جسد نور تنیده. ای بافته و نسبت فاعلیت تنیده شدن به تن مجاز است. (مجس: ۱۷ر ح؛ عبدالرسول)

فعل وجهی بایستن فقط در عم و مجک، عمدتاً برای ایجاد ساخت غیرشخصی به کار رفته‌است، مانند «آن رایزن که پیر بود بایستی خوش آمد دارا می‌کرد» (عم: ۲/۷۹) (مجک: ۱۱۵ر) هر چند بایستی که ... (عم: ۸۴ر) (مجک: ۱۲۵ر) ظاهر آن است که در این مقام لفظ آورد به صیغه ماضی باید. (عم: ۷۰ر)

۳-۳-۳-۳. جمله و اجزای آن

چینش اجزای جمله با ارزش‌هایی متفاوت به زبان و سبک نویسنده بستگی دارد که مؤلفه‌های زیر در نوشتار شارحان دیده می‌شود: حذف اجزای جمله: حذف به قرینه لفظی در توضیحات طولانی شروح دیده می‌شود که غرض از آن حذف‌ها بیشتر، اختصار است و دیگر اغراض در طول این غرض قرار دارند. مانند: «یکی گفت که من به دلیری و مردانگی جنگ رومیان را برهم زدم و دیگری گفت من به حيله و فریب [برهم زدم]» (عم: ۹۰ر) (مجک: ۱۳۴ر) اما حذف به قرینه معنوی بیشتر در توضیحات کوتاه مخصوصاً توضیحات تلگرافی نسخه مچن دیده می‌شود. مثلاً حذف فعل اسنادی «است» و «شد» به قرینه معنوی «از رومی مراد اسکندر و از زنگی مراد پادشاه زنگ» (مجک: ۷۰چ) در روم و شام: صفت کس [است] (مجس: ۳۷ر) مقوله مولوی علیه الرحمت بر سبیل قصه مذکور [شد] (مجس: ۳۷ر) و نیز (عم: ۱۵۲چ) (عم: ۲/۷۷چ) (مجک: ۱۱۱ر) در بیشتر جملات شروح عم، مجک و مجس؛ حتی در صورت حذف یکی از اجزای جمله، نهاد و فعل مطابقت دارند و به آن تأکید کرده‌اند: «لفظ بود مفرد وحشیان جمع واقع است و آن چندان قباحتی ندارد و سابق مذکور شده که اختلاف مفرد و جمع در مسند و مسندالیه در فارسی بسیار آمده و...» (عم: ۲/۶۷ر) (مجک: ۸۷چ).

برخی از شارحان افعال را به صورت وجه وصفی برخلاف صورت صرفی برای همه اشخاص و زمان‌ها به یک وجه استفاده می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۲۴۲)، مانند «به زر منقش کرده بر سر علم، خود و مغفر بندند...» (مجس: ۳۵ر) (مجس: ۵۵چ).

در مواردی یکی از اجزای جمله مانند حرف عطف «و»، حرف ربط که اسم، صفت و افعال اسنادی «شد و است»، تکرار می‌شود، مثلاً «و بدان که در بعض نسخ واو عطف بعد عزیزند واقع است و این عطف انشاست بر اختیار و این گاهی در فارسی می‌آید» (عم: ۱۷۶ر). «سخن که حرف است کیفیتی است خاص وابسته به کیفیتی دیگر که آن هوای مسموع است» (مجس: ۲۵ر). کمی (مجس: ۹چ). «... دیده‌است فاما دروغ نیست عین راست است» (مجس: ۲۴چ). ... جسم است... تمثیل است» (مجس: ۵۳چ) و نیز. (عم: ۱۵۴چ).

از نظر کوتاهی و بلندی جمله‌ها، در تمامی نسخ بیشتر جمله‌ها ساده‌اند و جمله‌های مرکب هم اطناب نداشته یک یا دو فراکرد دارند که باعث انسجام توضیحات شده‌است، مثلاً «خیرالشارحین در توجیه نسخه مشهور نوشته که اسکندر را با ازدهای سیاه یاد نموده یعنی شنیده نشده که طرف هیچ کشوری مانند این شیر تندی دیگر از روم برآمده در او نهاده باشد و گویا این ادعایی است که مدام از روم شیران به اقطار عالم می‌روند و بعد و رکاکت این نسخه و توجیه بر سخن فهم بلاغت شناس پوشیده نیست» (عم: ۱۵۳چ) و نیز (مجن: ۲۲چ).

مجک و مجن و مجس جملات کوتاه و ساده‌تری دارند (رک: مجک ۷۰) خاصه مجک که به‌خاطر بیان معنی کل بیت بیشتر جملاتش کوتاه است؛ اما در کل شارحان اجزای جمله را به‌طور کامل می‌آورند به‌جز در نسخه مجن که با اختصار بیشتری بیان شده‌است.

شارحان ترتیب اجزای کلام را رعایت کرده، ساده‌نویسی و عادی‌نویسی (Common Core) را مدنظر داشته‌اند؛ از جمله، مقدم داشتن فعل بر متمم و مفعول به‌ندرت دیده می‌شود که یکی از ویژگی‌های سبک مرسل است. مانند «به اعتبار آنکه در زهر آب‌داده باشند به وقت ساختن» (مجک: ۸۴چ). «مفعول فرستاد که قاصد باشد محذوف شده از جهت وضوح. (مجک: ۱۰۷) موکل است بر ستارگان و پیکران» (مجس: ۵۵چ).

در نسخه مجن بیشتر موارد توضیحات شکل جمله نداشته، به‌صورت ترکیب و بی فعل بوده از اختصار زبانی برخوردار است اما گاه به جمله‌هایی برمی‌خوریم که فعل مجهول را نادرست به کار برده‌است؛ مثلاً «یعنی چرم خود را به ریاضت چنان دباغت داده‌ام که از هر نوعی آن را برتافته و پیچیده شود؛ ای حمل کند» (مجن: ۲۹ر) که وجود نشانه مفعول و فعل مجهول جمله را دچار ابهام^۱ می‌کند.

استفاده از جمله‌ها، افعال و واژگان تأکیدی یکی دیگر از عناصر نحوی به‌کاررفته در شروح خطی است که از نشانه‌ها و ویژگی‌های سبک علمی و ساده است، مانند «بدان که» در آغاز توضیحات اکثر ابیات به کار رفته‌است (مجک: ۱۴۲چ) (عم: ۹۳. ر) (مجس: ۸۷) یا از کلماتی مانند، «مناسب است» و «این بهتر است» به‌منظور ارتباط منطقی جملات با یکدیگر استفاده شده‌است. (مجک: ۲۴۲چ) (عم: ۱۷۲چ) (مجک: ۱۶۳ر) (عم: ۱۰۶ر) همچنین جملات توضیحی که خاص علوم و اصطلاحات ادبی است دیده می‌شود؛ مثلاً در توضیح وند «مند» (رک. عم: ۴۸ر) و زمانی که لازم است به منابع، حقایق خاص، دستورالعمل‌ها و غیره اشاره شود؛ از عباراتی مانند «چنان که بر متبوع پوشیده نیست» (عم: ۴۵چ) استفاده کرده‌اند.

۳-۳-۳-۴. کاربردهای کهن

از قراین دستور تاریخی می‌توان به کاربرد حروف خاصی مانند «به» قیدساز، «را» و حرف اضافه «به» و حرف «مر» در شروح خطی اشاره کرد که از مختصات سبک مرسل است البته بسامد ندارند:

«به» قیدساز: به مجاز (مجس: ۲۵چ، ۱۴چ) (مجس: ۷. ر. به نقل از ش. ۱۴چ) (مجک: ۳۶ر) و (عم: ۹ر) به حسب یقین (عم: ۱۳ر).

رای مفعول: این زبان را بسوخت (مجک: ۵۳ر) (عم: ۴۳چ).

^۱ Ambiguity

رای مالکیت: که ایشان را قصص متعدّدین یاد باشد. (مجن: ۲/۳۶) و نیز (مجس: ۶۴ ح؛ سلطانیه) و (مجک: ۱۴۹) مدعیان معرفت را به تو راه نیست. (مجن: ۷ر).

رای فک اضافه: او را چرخ در گشود (مجس: ۷۱ر) و نیز (مجن: ۵۷چ) و (مجک: ۲۱۹ر).

حرف اضافه «به»: آذر خرد او را گویند (مجس: ۹۲ر) و او را کارفرمایم (مجک: ۱۶۵چ) (عم: ۱۰۸ر).

حرف اضافه «برای»: آب او را حکم هوا دارد. (مجک: ۱۷۸ر) (عم: ۱۱۵ر).

حرف اضافه «به» در معنای «در»: لهذا به هند دراز دست گفتندی (مجس: ۸۹چ).

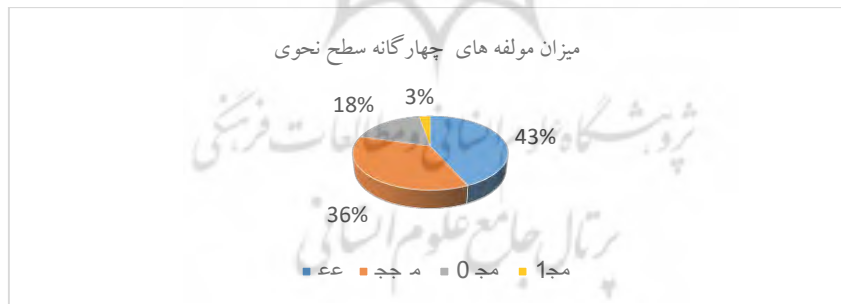
کاربرد حرف اضافه «مر» به شیوه کهن: رسته بودند مر صدف‌ها را (مجن: ۳۲چ) یعنی عقل همسایه نیک است مر آدمی را (مجک: ۱۱۰چ) (عم: ۷۷چ) و نیز (مجس: ۳۲چ).

علاوه بر حروف خاص، از نشانه‌های دستور تاریخی گاه واژه‌های متروک و افعال کهن مشاهده می‌شود که در اثر گذر زمان از زنجیره زبان حذف شده‌اند، مانند:

ای: به معنی یعنی که از اواخر قرن ششم هجری متروک مانده‌است (ناثل خانلری: ۱۳۷۸: ۲۲۹) و در بیشتر موارد مترادف با «یعنی» و نشانگر بدل توضیحی است (مجس: ۱۷چ) **دستارخوان** (عم: ۱۵۷چ) که با وجود فارسی بودن، در فارسی متروک شده اما در زبان ترکی کاربرد دارد.

افعال کهن: ماضی التزامی مستمر: طلا را بر سنگ می‌زده باشند (مجک: ۲۶۷چ) (عم: ۲۰۷چ). امر مستمر: می‌رو (مجن:

۶۱) ماضی استمراری: خون از جسم من جاری همی‌آید (مجس: ۸۵ر؛ سلطانیه)... از مذاق سخن همی بسیار بعید است (مجک: ۶۵ر). (عم: ۵۵ر).



با بررسی شروح طبق قواعد صرف و نحوی زبان در دوران گذشته و چگونگی پیدایش، رواج و متروک شدن این قواعد (مهمیار: ۱۳۷۶: ۱۱۴) پی‌می‌بریم که اولاً شارحان در نسخ خطی به نشانه‌های زبان معیار و کهن و تحولات واژگان و قواعد دستوری (فرشیدورد: ۱۳۸۲: ۳۶) توجه نموده و در نوشتار خود را بروز داده‌اند چنان‌که خان آرزو برای بیان اینکه نظامی به زبان معیار و محاوره‌ای زبان خود سخن گفته در بیشتر موارد با عبارت «چنان‌که در محاوره آید»، سند معنی لغات و عبارات را از محاوره می‌آورد. با اینکه از مؤلفه‌های دستور تاریخی بیشترین درصد فراوانی با ۴۳٪ و ۳۶٪ به نسخه عم و مجک تعلق دارد که با در نظر گرفتن حجم شروح خطی و متن شرفنامه در کهنگی نثر آن‌ها تأثیر زیادی ندارد.

نتیجه‌گیری

از نقد و بررسی داده‌ها درباره ویژگی‌های زبانی و سبکی شروح خطی *شرف‌نامه* نظامی گنجوی نتیجه می‌گیریم که از نظر آوایی، شارحان *شرف‌نامه* مفاهیم را مستقیم انتقال می‌دهند. در تلفظ واژگان و جمله‌ها پیچیدگی ندارند. زبانشان با زبان معیار فارسی دری هند و ایران آن زمان متناسب است.

از نظر واژگان این شارحان ضمن رعایت حال مخاطبان برون‌مرزی در انتخاب واژگان معیارهای محاوره، حقیقی، انتزاعی، ساده، متنوع و عامه‌فهم بودن را در نظر گرفته‌اند و به‌خاطر استفاده از کلمات عربی در کنار استعمال لغات فارسی کهن نثر خود را از ساده به بینابین ارتقا داده‌اند اما در کاربرد واژگان عربی یکدست عمل نکرده‌اند. با وجود این، نثر و زبان همه شروح خطی امروزه هم برای عوام قابل‌درک است؛ زیرا در بیشتر موارد مانند کاربرد، ساخت و ریخت و رسم‌الخط واژگان، طبیعی عمل کرده و دخل و تصرف نکرده‌اند و اختلاف‌های موجود بیشتر ناشی از حروف هم‌ریشه و همسان و جدا و پیوسته‌نویسی، مقتضای خط نستعلیق، رعایت ریخت زیبای واژگان است. همه این موارد با شدت و حدت غیرمحسوس در تمامی نسخ شروح خطی مشاهده می‌شود و در نگاه کلی از لحاظ ریخت‌شناسی^۱ اصول یک متن علمی در آن‌ها رعایت شده‌است چنان‌که هیچ‌کدام از شارحان از افعال اول شخص مفرد یا دوم‌شخص مفرد استفاده نکرده‌اند به‌غیراز مواردی جزئی از اطناب، زیاده‌گویی و کاربرد واژه‌های مترادف پی‌درپی خبری نیست و از به‌کارگیری واژه‌های ثقیل هم تا حدودی پرهیز نموده‌اند.

از نظر نحوی هم شروح خطی *شرف‌نامه* جز در بعضی از ترکیبات نحوی خام و غیرطبیعی در کاربرد ترکیبات نحوی، جمله‌بندی و جابجایی اجزای آن، تکرار افعال، قواعد دستور تاریخی و... ایده‌آل عمل کرده‌اند، باینکه گاهی غلط‌های صرفی و نحوی در زبان شارحان مخصوصاً ابونصیر سفیانی و محمد اکرم صاحب دیده می‌شود و مطابقت صفت و موصوف به شیوه عربی عبارات آنان را از یکدستی طبیعی انداخته، تکرار تعارفات و تکیه کلام‌ها، عدم تعمق و امانتداری و ترک دقت در ذکر سال‌ها و احوال تاریخی نثرشان را معیوب کرده‌است.

با توجه به مختصات آوایی و لغوی و نحوی ذکرشده و طبق نظر استاد خانلری نثر این شروح خطی در «دوره فارسی درسی» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۸۶) قرار می‌گیرد اما هم ویژگی‌های سبک مرسل دوره سامانی مانند ایجاز و اختصار، تکرار فعل و اسم به‌حکم ضرورت معنی، کوتاهی جملات و مطابقت عدد و معدود در جمع و هم ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی مانند استشهاد به آیات و احادیث، تقلید از نثر عربی در تکیه کلام‌ها و سربندها و ... حذف افعال به قرینه و استعمال لغات عربی در نثر ایشان دیده می‌شود.

به نظر می‌آید که شارحان به اقتضای محدوده مخاطبان و به جهت ساده‌نویسی در نثر خود کهن‌گرایی^۲ دارند و از واژه‌ها و دیگر مختصات سبک خراسانی استفاده کرده‌اند و نثر خود را از نظر سبکی چهره‌دار نموده‌اند و درنهایت به سبکی بینابین رسیده‌اند بر این پایه، نثر ایشان علمی، ساده و روان و آمیخته با واژه‌های عربی است چنان‌که در متون به‌جامانده از دوره صفویه (از قرن دهم تا دوازدهم) به هر سه نوع نثر فنی، ساده و متکلف برمی‌خوریم (رک. مؤلفان، ۱۳۸۲: ۴۷). در قضاوت کلی نثرهای علمی مانند شروح خطی *شرف‌نامه* در ایران و هندوستان باید گفت این آثار به نثری ساده و عوام‌فهم و کاملاً متأثر از صرف و نحو عربی، به شیوه علمی قدیم و سبک موجز و پخته و عبارت‌پردازی درست فارسی تحریر شده‌اند (بهار ۱۳۸۶: ۳۰۵) و به قول بهار، این نثرهای ساده معیوب برای لذت بردن و چیز فهمیدن بهتر از کتب فاضلانهای است که در این عهد نوشته شده‌است (بهار ۱۳۸۶: ۲۶۰) و

^۱ Morphology

^۲ Archaism

در شیوایی و لطف و ادای مقصود بسیار مفید و مطلوب‌اند. به‌هرحال تمام ویژگی‌های زبانی و سبکی شروح خطی شرف‌نامه نشانگر سبک علمی ساده بینابین در دوره صفویه است.



منابع

- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان (۱۲۹۳ق). شرح اسکندرنامه، با ۲۸۰ برگ به شماره ثبت ۲۰۹۹۵۱ و شماره ۱۸۷۸۶، نسخه خطی تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. «عم».
- اکرم صاحب، محمد (قرن ۱۳). شرح اسکندرنامه، با ۹۴ برگ شماره نسخه: ۱/۱۸۷۵۸، تهران: نسخه خطی کتابخانه مجلس. «مجن».
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). سبک‌شناسی، چاپ نهم، ج ۱ و ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پهلوان‌شمسی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۷). «تحلیلی بر رویکرد سبکی نسخه خطی شرح محبت‌نامه جامی»، دوفصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی، دوره ۳، شماره ۷ صفحه ۱۲۵-۱۴۸.
- ثروتیان، بهروز (۱۳۶۸). شرف‌نامه نظامی گنجوی (شرح و توضیح). چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
- ترابی، سید محمد (۱۳۷۰). «حکیم نظامی مبتکر ساقی‌نامه»، آثنا، سال اول، آذر و دی، شماره ۲.
- خاکپور، محمد و محمد مهدی پور و مهدی باقری (۱۴۰۰) «دیدگاه‌های بلاغی صهبایی در شرح سه نثر ظهوری»، نشریه علمی جستارهای نوین ادبی، شماره ۲۱۴، پاییز. دوره ۵۴ شماره ۳ صص ۵۵-۸۱
- ستوده، غلامرضا (۱۳۸۶). مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- سرامی، قدم‌علی (۱۳۹۳). از رنگ گل تا رنج خار؛ شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۳). «نقد تصحیح‌نامه نظامی به کوشش بصیرمژدهی، در مقایسه با نسخه‌های مصحح وحید دستگردی و مسکو»، متن‌شناسی اصفهان، دوره ۶، شماره ۱، خرداد ۱۳۹۳، صفحه ۴۱-۶۰.
- شمشیری، بابک و نوشادی، محمود رضا (۱۳۸۶). «مطالعات برنامه‌درسی» علمی-پژوهشی وزارت علوم، پاییز، شماره ۶ صص ۵۱ تا ۷۸.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). کلیات سبک‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی ساختار «شرح‌نویسی» در حوزه فهم ادبی»، فنون ادبی، شماره دو پاییز و زمستان، سال دوم، اصفهان، صص ۶۳-۸۰.
- غریب، رز (۱۳۷۸). نقد بر مبنای زیباشناسی، چاپ اول، ترجمه نجمه رجایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- غلامحسین‌زاده غلامحسین و همکاران (۱۳۸۷). «نقد و تحلیل شرح‌های اسکندرنامه نظامی گنجوی»، ادبیات فارسی، پاییز ۱۳۸۷، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۳۱-۵۵.
- فتوحی محمود (۱۳۹۲). سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). عربی در فارسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فرزاد عبدالحسین (۱۳۸۸). درباره نقد ادبی، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.
- فؤادیان، محمدحسن و حاجی‌پور طالبی، جلیل (۱۳۹۷). «بررسی، تحلیل و معرفی سبک نسخه خطی شرح فارسی بر کافیه ابن‌حاجب» به نقل از سایت <https://civilica.com/doc/902133>
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۷۸). تحلیل محتوا، چاپ پنجم، ترجمه هوشنگ نایب، تهران: انتشارات روش.
- کمالی، آمنه و همکاران (۱۳۹۷). «بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی ترجمه و شرح رساله طب‌القلوب»، زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، سال دهم، بهار، شماره ۳۴ ۱۰۶-۱۳۱
- مؤلفان (۱۳۸۲). ادبیات فارسی تخصصی پیش‌دانشگاهی، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات کتب درسی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۸). دستور تاریخی زبان فارسی، چاپ چهارم، به کوشش عفت مستشارنیا، تهران: توس.
- ناشناس (بی‌تا). شرح اسکندرنامه، با ۲۸۰ برگ، به شماره ثبت ۱/۱۴۲۰۷، تهران: نسخه خطی کتابخانه مجلس. «مجک»
- نصیرالدین سفیانی، محمد (قرن ۱۲). شرح شرف‌نامه، با ۹۷ برگ، شماره ثبتی ج ۲۰۹۳۷۰، تهران: نسخه خطی کتابخانه مجلس. «مجس»

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ سی‌ام، تهران: مؤسسه نشر هما.

